



۳۴۲-ع.ع



دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی

عنوان:

بررسی رابطه بین روش تربیت دینی با تصور از خدا
در دانشجویان

استاد راهنما
آقای دکتر محمد علی مظاهری

استاد مشاور
آقای محمود حیدری

دانشجو
منصوره سادات صادقی

زمستان ۱۳۸۴



Shahid Beheshti University
School of Education & Psychology

Dissertation
Submitted for the Degree of
Master of Arts, in psychology

Title

**Investigating the relationship between Style of
Religious Education and Image of God in
university students**

Supervisor:
Mohammad Ali Mazaheri, ph.D

Counsellor:
Mahmoud Heydari

BY:
Mansoureh sadat Sadeghi

Winter 2006

چکیده:

تصور افراد از خدا بر ارتباط آنها با هر چیزی و از همه مهمتر نگرش افراد نسبت به خود، افراد دیگر و به طور کلی بر تمام زندگی آنها تأثیرگذار می باشد. مرور پیشینه شکل گیری تصور از خدا عوامل بسیاری را در چگونگی این شکل گیری دخیل می داند. یکی از مهمترین عوامل، که تأثیر بسزایی در شکل گیری تصور افراد از خدا دارد، والدین می باشند. رابطه والد-کودک، محیط مذهبی خانواده، روشهای تربیتی و... از جمله عواملی هستند که به چگونگی تأثیر والدین بر شکل گیری تصور افراد از خدا اشاره دارند. هدف از پژوهش حاضر بررسی ارتباط روش تربیت دینی با تصور از خدا می باشد. پرسشنامه ها شامل مقیاس سنجش تصور از خدا (مظاهری و همکاران، ۱۳۸۴؛ بازسازی مقیاس لارنس، ۱۹۹۷)، پرسشنامه های روش تربیت دینی: پرسشنامه محیط خانوادگی (نقاشان، ۱۳۵۸، براساس کارهای شیفر، ۱۹۶۵) و پرسشنامه محقق ساخته، و پرسشنامه میزان مذهبی بودن والدین (گرنکوویست، ۱۹۹۸) می باشد. که توسط ۳۷۴ نفر از دانشجویان دانشگاه های شهید بهشتی و علوم پزشکی شهید بهشتی که به صورت طبقه ای نسبتی در دسترس انتخاب شده بودند، تکمیل شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روشهای آماری t مستقل، تحلیل واریانس یکراهه و دوره، آزمون تعقیبی شفه و آزمون مجذورکا استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد تفاوت تمام زیرمقیاسهای "تأثیرپذیری"، "مشیت الهی"، "پذیرندگی"، "خیرخواهی"، "حضور" و "چالش" آزمون تصور از خدا در روشهای تربیتی و تفاوت زیرمقیاسهای "تأثیرپذیری" و "مشیت الهی" در دو گروه از والدین، به تفکیک معنادار می باشد. اما تفاوت زیرمقیاسهای تصور از خدا در تعامل "روشهای تربیتی" و دو گروه والدین ("والدینی که در تربیت دینی فرزندشان تلاش داشتند" و "والدینی که در تربیت دینی فرزندشان تلاش نداشتند") معنادار نمی باشد. در تبیین نتایج فوق به ارتباط والد-کودک در دوران کودکی با توجه به نظریه های روابط موضوعی، دلبستگی و یادگیری اجتماعی اشاره شد. این نظریه ها فرض می کنند که ارتباط بهینه والد-کودک تصور مثبت تری را از خدا در کودک شکل می دهد. مطالعه حاضر همچنین نشان داد، در پاسخ دهندگانی که میزان مذهبی بودن والدین خود را در سطح بالایی ارزیابی کرده اند، تفاوت زیرمقیاسهای "تأثیرپذیری"، "مشیت الهی" و "حضور" آزمون تصور از خدا با آزمودنیهایی که میزان مذهبی بودن والدینشان در سطح پایین است، معنادار می باشد. بنابراین کیفیت تصور از خدا در افرادی که میزان مذهبی بودن والدینشان بالاست، مثبت تر است. محققان میزان مذهبی بودن والدین را به عنوان جنبه ای از جامعه پذیری دینی برای فرزندان، و مهمترین عامل پیش بینی کننده تصور فرد از خدا می دانند. نتایج همچنین نشان داد در شرایطی که والدین برای تربیت دینی فرزندانشان تلاش کرده اند، میزان مذهبی بودن بالای والدین در تمام روشهای تربیتی

بالتر از حد مورد انتظار، و سطح پایین مذهبی هر دو والد پایین تر از حد مورد انتظار می باشد. بنابراین در خانواده هایی که والدین در تربیت دینی تلاش دارند، سطح بالای مذهبی بودن والدین بیشتر است. می توان میزان مذهبی بودن والدین را تحت تأثیر عواملی چون محتوای تربیت دینی، بحثها و آموزشهای دینی و ... دانست. در مطالعه حاضر نشان داده شد که روش تربیت دینی برای دختران و پسران دارای تفاوت معنادار می باشد، به طوری که تعداد دختران در هر دو گروه والدین در روش تربیتی مقتدرانه بالاتر از حد مورد انتظار و تعداد پسران در روش تربیتی مسامحه کارانه، بالاتر از حد مورد انتظار می باشد. در تبیین یافته فوق می توان به عوامل احتمالی همچون دیدگاههای متفاوت از دو جنس بر حسب انتظار جامعه و ساختارهای فرهنگی، تفاوت نگرشها، تفاوت در جهت گیری ارزشی و چگونگی ارزیابی از روش تربیتی والدین اشاره داشت. همچنین نتایج نشان داد تفاوت تمام زیرمقیاسهای تصور از خدا به جز "پذیرندگی" در دو گروه دختران و پسران معنادار است و دختران تصورشان از خدا مثبت تر می باشد. در تبیین نتایج به دست آمده به تفاوت دیدگاههای ارزشی و اخلاقی در دو جنس، تفاوت در سبکهای تربیتی و تربیت دینی و نقش والدین در جامعه پذیری دینی اشاره شد. داده ها همچنین نشان داد تصور از خدا در منابع تربیت دینی مختلف، متفاوت است، و تفاوت نمرات زیرمقیاسهای "تأثیرپذیری"، "مشیت الهی"، "پذیرندگی" و "حضور" تصور از خدا در شرایطی که کسب اطلاعات دینی از طریق خانواده باشد، به طور معناداری بالاتر از دیگر منابع اطلاعاتی بوده و مثبت ترین تصور از خدا در گروه اخیر می باشد.

صفحه	عنوان
أ	فهرست مطالب
ث	فهرست جداول
د	فهرست نمودارها
د	فهرست شکلها
ذ	چکیده

فصل اول: معرفی پژوهش

۲	۱-۱، بیان مسأله
۷	۲-۱، ضرورت‌های پژوهش
۱۰	۳-۱، اهداف پژوهش
۱۰	۴-۱، سؤالهای تحقیق
۱۱	۵-۱، متغیرها و تعریف عملیاتی آنها

فصل دوم: ادبیات و پیشینه پژوهش

۱۴	۱-۲، مقدمه
۱۴	۲-۲، تصور از خدا
۱۴	۳-۲، رشد تصور از خدا
۱۸	۴-۲، مفهوم خدا و تصور از خدا
۲۰	۵-۲، سازه تصور از خدا
۲۱	۶-۲، نظریه‌هایی در مورد تصور از خدا
۲۴	۷-۲، نظریه روابط موضوعی و تصور از خدا
۲۸	۸-۲، نظریه دل‌بستگی و تصور از خدا
۳۰	۹-۲، نظریه اسنادی و تصور از خدا
۳۱	۱۰-۲، رابطه تصور از خود و تصور از خدا
۳۳	۱۱-۲، پایه‌های نظری، سنجش و ارزیابی تصور از خدا
۳۵	۱۲-۲، شناخت خدا در نیاز به دیگران
۳۶	۱۳-۲، تصور از خدا و یادگیری اجتماعی
۳۹	۱۴-۲، جامعه‌پذیری دینی
۴۰	۱۵-۲، عوامل مؤثر در دینداری در دوره کودکی و نوجوانی

۴۰	۱-۱۵-۲، تأثیر والدین
۴۱	۱-۱۵-۲، روابط والد-فرزندی، شیوه فرزند پروری و ارتباط آن با دینداری
۴۴	۲-۱۵-۲، تأثیر مدرسه و گروه همسالان
۴۵	۲-۱۶، تعریف دین
۴۶	۲-۱۷، نظریه پردازان و دین
۵۰	۲-۱۸، تربیت
۵۱	۲-۱۹، ارتباط دین و تربیت
۵۱	۲-۲۰، تربیت دینی
۵۳	۲-۲۱، ضرورت تربیت دینی
۵۵	۲-۲۲، تأثیر نهادهای مختلف در تربیت دینی
۵۵	۲-۲۲-۱، خانواده
۵۷	۲-۲۲-۲، مدرسه
۵۸	۲-۲۲-۳، اماکن و مؤسسات مذهبی
۵۹	۲-۲۳، مراحل شکل گیری رشد دینی
۶۵	۲-۲۴، پژوهشهای انجام شده
۶۵	۲-۲۴-۱، جامعه پذیری دینی، دلبستگی و تصور از خدا
۷۵	۲-۲۴-۲، والدین، جنسیت، شیوه های فرزند پروری و تصور از خدا
۸۳	۲-۲۴-۳، تصور از خدا و تصور از خود
۸۴	۲-۲۵، نتیجه گیری

فصل سوم: روش پژوهش

۸۷	۳-۱، روش پژوهش
۸۷	۳-۲، جامعه آماری
۸۸	۳-۳، نمونه و روش نمونه برداری
۸۹	۳-۴، روش و ابزار گرد آوری اطلاعات
۸۹	۳-۴-۱، پرسشنامه تصور از خدا (GII)
۹۵	۳-۴-۲، پرسشنامه های روش تربیت دینی
۹۸	۳-۴-۳، پرسشنامه میزان مذهبی بودن والدین
۹۹	۳-۵، شیوه اجرای تحقیق

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل اطلاعات

۱۰۱	۱-۴، تجزیه و تحلیل داده ها
۱۰۱	۱-۱-۴، یافته های توصیفی مربوط به نمونه
۱۰۹	۲-۴، یافته های مربوط به سؤالات تحقیق
۱۰۹	۱-۲-۴، سؤال اصلی اول
۱۱۸	۲-۲-۴، سؤال اصلی دوم
۱۱۹	۳-۲-۴، سؤال اصلی سوم
۱۲۲	۴-۲-۴، سؤال اول فرعی
۱۲۳	۵-۲-۴، سؤال دوم فرعی
۱۲۴	۶-۲-۴، سؤال سوم فرعی
۱۲۶	۳-۴، نتایج ضمنی

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۱۳۱	۱-۵، مقدمه
۱۳۱	۲-۵، بحث مربوط به سؤالات اصلی
۱۴۷	۳-۵، بحث مربوط به سؤالات فرعی
۱۵۷	۴-۵، بحث و نتایج یافته های ضمنی
۱۶۱	۵-۵، نتیجه گیری نهایی
۱۶۵	۶-۵، محدودیتها
۱۶۶	۷-۵، پیشنهادها
۱۶۸	منابع فارسی
۱۷۱	منابع انگلیسی
۱۸۵	پیوستها
۱۹۱	چکیده انگلیسی

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۹۰	جدول ۱-۳، میانگین و انحراف استاندارد مقیاسهای تصور از خدا در نمونه ۱۵۸۰ نفری (لارنس، ۱۹۹۷)
۹۳	جدول ۲-۳، همبستگی درونی زیرمقیاسهای تصور از خدا و برآورد ضریب آلفای پایایی آنها (لارنس، ۱۹۹۷)
۹۵	جدول ۳-۳، ماتریس همبستگی ۶ زیرمقیاس تصور از خدا
۹۷	جدول ۳-۴، مفاهیم مربوط به هر یک از ابعاد روشهای تربیتی و سؤالات مرتبط با آن
۱۰۱	جدول ۱-۴، توزیع فراوانی جنسیت
۱۰۲	جدول ۲-۴، توزیع فراوانی آزمودنیها به تفکیک نسبت جنس در هر دانشکده
۱۰۲	جدول ۳-۴، میانگین و انحراف استاندارد نمرات آزمودنیها در ابعاد کنترل-آزادی و گرمی-سردی
۱۰۳	جدول ۴-۴، توزیع فراوانی ابعاد کنترل-آزادی و گرمی-سردی
۱۰۳	جدول ۵-۴، توزیع فراوانی روشهای تربیتی
۱۰۴	جدول ۶-۴، توزیع فراوانی میزان تلاش والدین برای تربیت دینی فرزندشان در گروههای چهارگانه
۱۰۴	جدول ۷-۴، توزیع فراوانی تلاش والدین برای تربیت دینی
۱۰۵	جدول ۸-۴، توزیع فراوانی و درصد روشهای تربیتی در دو گروه والدین
۱۰۶	جدول ۹-۴، میانگین و انحراف استاندارد نمرات میزان مذهبی بودن والدین

۱۰۶	جدول ۴-۱۰، توزیع فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد میزان مذهبی بودن والدین
۱۰۶	جدول ۴-۱۱، توزیع فراوانی و درصد میزان مذهبی بودن هر دو والد
۱۰۷	جدول ۴-۱۲، میانگین و انحراف استاندارد نمرات زیرمقیاسهای تصور از خدا
۱۰۷	جدول ۴-۱۳، توزیع فراوانی شباهت خدا به والدین
۱۰۸	جدول ۴-۱۴، توزیع فراوانی شباهت خدا به والدین براساس والدین ترجیح داده شده
۱۰۸	جدول ۴-۱۵، توزیع فراوانی منبع تربیت دینی
۱۱۰	جدول ۴-۱۶، تعداد آزمودنیها- میانگین و انحراف استاندارد نمره زیرمقیاس تأثیرپذیری در دو گروه والدین و روشهای تربیتی به صورت مجزا و در تعامل با یکدیگر
۱۱۰	جدول ۴-۱۷، نتایج آزمون تحلیل واریانس دوره‌ه در زیرمقیاس تأثیرپذیری تصور از خدا
۱۱۱	جدول ۴-۱۸، تعداد آزمودنیها- میانگین و انحراف استاندارد نمره زیرمقیاس مشیت الهی در دو گروه والدین و روشهای تربیتی به صورت مجزا و در تعامل با یکدیگر
۱۱۱	جدول ۴-۱۹، نتایج آزمون تحلیل واریانس دوره‌ه در زیرمقیاس مشیت الهی تصور از خدا
۱۱۲	جدول ۴-۲۰، تعداد آزمودنیها- میانگین و انحراف استاندارد نمره زیرمقیاس پذیرندگی در دو گروه والدین و روشهای تربیتی به صورت مجزا و در تعامل با یکدیگر
۱۱۲	جدول ۴-۲۱، نتایج آزمون تحلیل واریانس دوره‌ه در زیرمقیاس پذیرندگی تصور از خدا

- جدول ۴-۲۲، تعداد آزمودنیها- میانگین و انحراف استاندارد نمره زیر مقیاس خیرخواهی در دو گروه والدین و روشهای تربیتی به صورت مجزا و در تعامل با یکدیگر
۱۱۳
- جدول ۴-۲۳، نتایج آزمون تحلیل واریانس دوره‌ها در زیرمقیاس خیرخواهی تصور از خدا
۱۱۳
- جدول ۴-۲۴، تعداد آزمودنیها- میانگین و انحراف استاندارد نمره زیرمقیاس حضور در دو گروه والدین و روشهای تربیتی به صورت مجزا و در تعامل با یکدیگر
۱۱۴
- جدول ۴-۲۵، نتایج آزمون تحلیل واریانس دوره‌ها در زیرمقیاس حضور تصور از خدا
۱۱۴
- جدول ۴-۲۶، تعداد آزمودنیها- میانگین و انحراف استاندارد زیرمقیاس چالش در دو گروه والدین و روشهای تربیتی به صورت مجزا و در تعامل با یکدیگر
۱۱۵
- جدول ۴-۲۷، نتایج آزمون تحلیل واریانس دوره‌ها در زیرمقیاس چالش تصور از خدا
۱۱۵
- جدول ۴-۲۸، مقایسه میانگین نمرات زیرمقیاسهای تصور از خدا در روشهای تربیتی مختلف در آزمودنیهایی که والدینشان برای تربیت دینی آنان تلاش کرده اند و نتایج تحلیل واریانس یکراهه آن
۱۱۷
- جدول ۴-۲۹، تعداد آزمودنیها- میانگین و انحراف استاندارد خرده مقیاسهای تصور از خدا در میزان مذهبی بودن والدین و نتایج تحلیل واریانس یکراهه آن
۱۱۹
- جدول ۴-۳۰، تعداد آزمودنیها در ارزیابی میزان مذهبی بودن والدین در روشهای تربیت دینی و نتایج آزمون مجذورکا
۱۲۰
- جدول ۴-۳۱، تعداد آزمودنیها در روشهای تربیت دینی به تفکیک جنسیت و نتایج آزمون مجذورکا
۱۲۲

- جدول ۴-۳۲، تعداد آزمودنیها به تفکیک جنسیت- میانگین و انحراف استاندارد نمرات زیرمقیاسهای تصور از خدا در گروههای پسر و دختر و نتایج آزمون t دو دامنه
۱۲۴
- جدول ۴-۳۳، تعداد آزمودنیها- میانگین و انحراف استاندارد خرده مقیاسهای تصور از خدا در منابع تربیت دینی متفاوت و نتایج تحلیل واریانس یکراهه آن
۱۲۵
- جدول ۴-۳۴، تعداد آزمودنیها- میانگین و انحراف استاندارد زیرمقیاسهای تصور از خدا در گروههای مختلف و نتایج تحلیل واریانس یکراهه آن
۱۲۶
- جدول ۴-۳۵، ارزیابی آزمودنیها از شباهت خدا با والد براساس والد ترجیحی و نتایج آزمون مجذورکا
۱۲۸
- جدول ۴-۳۶، تعداد آزمودنیها در انتخاب منابع تربیت دینی در روشهای تربیتی مختلف و نتایج آزمون مجذورکا
۱۲۹

فهرست نمودارها

- نمودار ۱-۴، میزان مذهبی بودن والدین در روشهای تربیت دینی مختلف
۱۲۱
- نمودار ۲-۴، تفاوت‌های جنسیتی در روشهای تربیتی در والدینی که برای تربیت
دینی فرزندانشان تلاش داشته اند و والدینی که برای تربیت دینی فرزندشان
تلاشی نداشته اند.
۱۲۳

فهرست شکلها

- شکل ۱-۲، ارتباط بین الگوی دلبستگی، مفهوم از خود، دیگران و خدا
۸۵
- شکل ۲-۲، الگوی نظریه جامعه پذیری و ارتباط آن با دین و شیوه فرزندپروری و
مفاهیم خدای کودکان
۸۵

فصل اول:

معرفی پژوهش

۱-۱- بیان مسأله:

بحث ارتباط دین و تربیت از دیر باز مورد توجه بوده است و کمتر جامعه ای را می توان یافت که با دین و تربیت دینی سر و کاری نداشته باشد. نگاهی گذرا به تاریخ بشر نشان می دهد که همه جوامع، به نوعی دیندار بوده اند؛ خواه جوامع ابتدایی و ساده، یا جوامع پیشرفته و پیچیده؛ خواه جوامع کوچک و محدود، یا جوامع بزرگ و وسیع. جوامع بشری نه تنها دیندار بوده اند، بلکه دین را امری ضروری نیز می دانستند. مراجعه به متون دینی مختلف نشان می دهد که انسان، بدون پایبندی به دین نمی تواند به هدف نهایی حیات خود دست یابد (داوودی، ۱۳۸۳). مفهوم دین و تربیت دینی و کارکرد آن متأثر از مجموعه عواملی است که مهمترین آن جایگاه خدا در دین می باشد. هر یک از ادیان یهود، مسیحیت و اسلام به خداوند عظیم که جهان را خلق کرده است، ایمان دارند، اما درک این مطلب مهم است که ذات و خصوصیات خدا در این ادیان متفاوت است (مشایخی راد، ۱۳۸۰). خداوند به عنوان مبدأ آفرینش، از جنجال برانگیزترین موضوعات ذهنی بشر بوده که دارای ابعاد مختلف فلسفی، دینی، جامعه شناختی و روان شناختی می باشد. سؤالات فراوانی در این باره وجود دارد، چرا که خداوند به تجربه حسی بشر نمی آید اما بشر به گونه ای او را درک می کند. اعتقادات افراد در مورد زندگی از چگونگی ارتباط آنها با خدا تأثیر می پذیرد و بر ارتباط آنها با هر چیزی تأثیر می گذارد و از همه مهمتر نگرش آنها را بسوی خودشان، افراد دیگر و به طور کلی معنا و مفهوم زندگی تعیین می کند (کاباریک^۱، ۱۹۹۸). مطالعات زیادی در مورد اهمیت کتب مقدس، مفاهیم گناه و تصور از خدا^۲ انجام شده است، اما موضوع تصور از خدا به دلیل اینکه مذهب شخصی افراد را نشان می دهد، بیش از سایر مفاهیم و موضوعات دینی مورد مطالعه قرار گرفته است (دی روس^۳، ۲۰۰۴). در واقع موضوع خدا هسته بسیاری از مطالعات

^۱ - Kuburic, Z

^۲ - Image of God

^۳ - DeRoos, S. A

علمی - دینی بوده است و بیشتر اعتقادات مذهبی و بخصوص اعتقاداتی در مورد بخشنده بودن و یا عشق، به اعتقاد به خداوند باز می گردد (فروئس و بدر^۱، ۲۰۰۵).

تصور از خدا، توصیف اثر عاطفی یا ارزیابی جنبه های مختلف بازنمایی ذهنی از خداوند است که معنا داده می شود. جنبه توصیفی آن به اطلاعاتی که افراد در مورد خدا می دهند مثل اینکه شبیه چیست و کجاست و چه کار می تواند بکند و یا از مردم چه می خواهد بر می گردد، در حالی که جنبه ارزیابی آن مربوط است به ارزشهای مثبت یا منفی که به خدا نسبت داده می شود. مثل تصور از خدای عاشق^۲، طردکننده^۳ یا پذیرنده^۴ (دی روس و سامی^۵، ۲۰۰۴).

کاباریک (۱۹۹۸) اعتقاد دارد که تصور از خدا مفهوم گسترده تری از درک خداوند دارد و برای آن تمام جنبه های عقلانی، احساسی و فرایندهای ارادی در یک تجربه واحد به کار بسته می شود. این موضوع که خدا چیست و چگونه بر ما تأثیر می گذارد، اعتقاد و تصور ما را در مورد خداوند شکل می دهد. تصور و اعتقاد ما درباره خدا باعث می شود که ما به شکل خاصی عمل کنیم و عقاید مشخصی داشته باشیم و همچنین خصوصیات معینی را نشان دهیم (فروئس و بدر، ۲۰۰۵). در یک بررسی عمومی اجتماعی در امریکا، اندازه گیری برای نشان دادن تصور از خدا در افراد انجام شد. نتایج این بررسی نشان داد افرادی که خداوند را بصورت قاضی^۶ (داور) و فعال^۷ تصور می کنند تمایل بیشتری به فعالیت در کلیسا دارند و آنهایی که تصورشان از خدا به صورت فعل پذیر^۸ است نگرشهای آزادانه ای در مورد سقط، فعالیت‌های همجنس بازی و روابط جنسی در خارج از حیطه های ازدواج دارند. این بررسیها نشان داد که تصور افراد از خدا پیش بینی کننده نگرشها و رفتارهای آنها می باشد و اعتقاد آنان به خداوند اطلاعات بیشتری در مورد نگرشهای

¹ - Froese, P. & Bader, Ch

² - Loving

³ - Rejective

⁴ - Accepting

⁵ - De Roos, S. A. & Summey, W

⁶ - Judge

⁷ - active

⁸ - passive

اخلاقی، رفتارها و حتی جهت گیریهای سیاسی افراد می دهد تا رفتارهای مذهبی آنان و حضورشان در کلیسا. به طور مثال افرادی که خدا را فعل پذیر تصور می کردند، بیشتر دموکراتها بودند. به طور خلاصه نتایج این تحقیقات نشان داد که تصور از خدا بر میزان حضور افراد در کلیسا، نگرشهای اخلاقی و رفتارهای جمعی اثر دارد و به طور کلی اینکه افراد چیزها را خوب یا بد می بینند به این تصورات بستگی دارد (همان منبع).

تلاشهای زیادی برای فهم جنبه های تحولی تصور از خدا انجام گرفته است. به عنوان مثال هارمز^۱ (۱۹۴۴)، به نقل از اسپیلکا، آرماتاس و ناسبائوم^۲، (۱۹۶۴) پس از تحلیل حدود ۴۸۰۰ نقاشی کودک ۳-۱۸ ساله آمریکایی سه مرحله تحول را برای تصور از خدا در نظر گرفته است: مرحله سحری- پدیده ای^۳ در ۳-۶ سالگی. مرحله واقع نگر^۴ در ۷-۱۲ سالگی و سرانجام مرحله شخصی نگر^۵ از ۱۲ سالگی به بعد. دکونچی^۶ (۱۹۶۵)، نقل از اسپیلکا، هود، هانزبرگر و گورساج^۷، (۲۰۰۳) نیز با آزمون خود برای تحول مفهوم خدا سه مرحله را در نظر گرفت: مرحله اول حول و حوش موضوعات اسنادی^۸ است. مرحله دوم شخصی سازی^۹ و مرحله سوم درونی کردن (درون سازی)^{۱۰} می باشد. اما آیا تحول تصور از خدا در بین فرهنگ یا گروههای متفاوت دینی تغییر می کند؟ تامنین^{۱۱} (۱۹۹۱)، به نقل از اسلاتر^{۱۲}، (۲۰۰۵) عوامل زیادی را مسئول فهم کودک از خدا می داند که از آن جمله می توان به عوامل بیرونی (خانواده و اماکن مذهبی) و عوامل درونی (فهم فطری و روح پاک) اشاره کرد. او می گوید کودکانی که در خانواده های مرمین^{۱۳} *^{۱۴} بزرگ

¹ - Harms, E

² - Spilka, B., Armatas, P., & Nussbaum, J

³ - Fairy-tale

⁴ - Realistic

⁵ - Individualistic

⁶ - Deconchi, J

⁷ - Spilka, B., Hood, R.W., Hunsberger, B., & Goursuch, R

⁸ - Around theme of Attribution

⁹ - Personalization

¹⁰ - Internalization

¹¹ - Tamminen, K

¹² - Slater, T

¹³ - Mormon

¹⁴ * - یکی از فرقه های مسیحی که اولین بار توسط جوزف اسمیت (Joseph Smith) در سال ۱۸۳۰ در ایالات متحده شکل گرفت.

می شوند در کشان از خدا حالتی انسان گونه دارد در حالی که کودکان خانواده های یهودی چنین نیستند و کودکان خانواده های کاتولیک تعداد نسبتاً فراوانی از نمادها را در مورد خدا در نقاشیهای خود ترسیم می کنند. این گزارشها مجموعاً حاکی از این نکته است که مفهوم و همچنین تصور از خدا در کودکان، تحت تأثیر اعتقاد و دین خانواده آنها قرار می گیرد. در واقع در تصور افراد، تصور از خدا از دوران کودکی تا بزرگسالی ساخته می شود و عواملی مانند محیط خانوادگی، تعلیم و تربیت و... بر آن مؤثر است. هانیچ^۱ (۲۰۰۲) در تحقیقی دیگر که تصور از خدا را در خانواده های مذهبی و غیرمذهبی مقایسه کرده بود به این نتیجه رسید که تا سن ۹ سالگی تصور از خدا در کودکان بیشتر به وسیله والدین و تخیل کودک رشد می کند و بنابراین خدای کودکان تا این سن خیلی شخصی و خصوصی است. با شروع سن ۱۰ سالگی تصور از خدا به طور برجسته ای تحت تأثیر محیطی (مذهبی یا غیرمذهبی) که افراد در آن رشد کرده اند، قرار می گیرد. این بدان معناست که فرد جوانی که در یک بافت اجتماعی مذهبی زندگی می کند بوسیله اطلاعاتی که توسط خانواده، کلیسا، و کلاس های آموزش دینی در مدارس ارائه می شود، تحت تأثیر قرار می گیرد. در حالی که در محیط غیرمذهبی، افراد جوان به همان تصور کودکانه خود از خدا که در اوایل کودکی بوجود آورده اند، بسنده می کنند. این تصور شامل انتظاراتی است از قبیل اینکه خدا باید تمام مشکلات روی زمین را حل کند و پوشش دهد، و اگر این گونه نباشد چون خدا طبق انتظارات آنان عمل نکرده است یا خدای بی قدرتی است یا اصلاً وجود ندارد. وی سپس نتیجه می گیرد محیط خانوادگی و اجتماعی که کودکان و نوجوانان در آن رشد می کنند تأثیر بسزایی در تصور آنان از خدا دارد و باید ارتباط نزدیکی بین تربیت دینی ثابت افراد و آنچه که در کودکی و نوجوانی دریافت کرده و می کنند، وجود داشته باشد.

^۱ - Hanisch, H

ساویسکی^۱ (۲۰۰۳) در مورد نقش تربیت دینی این طور اظهار می کند که اولین توجه و تمرکز تلاشهای تربیتی بر تصور از خود افراد است و چون تصور از خود مفهومی است که خیلی زود به وسیله تبادلات محیطی مثل خانواده، معلمان و همسالان تحت تأثیر قرار داده می شود باید روی شکل گیری درست این مفهوم کار شود. این مطلب موقعی قابل توجه می شود که به تحقیق ریزاتو^۲ (۱۹۷۹، به نقل از گلنیک^۳، ۲۰۰۱) توجه شود. وی نشان داد که تصور از خدا فقط از پدر و مادر ناشی نمی شود بلکه از اطرافیان مهم کودک مثل مادر بزرگ و... و نیز از تحول تصور از خود پدیدار می گردد. همچنین جک^۴ (۲۰۰۱) اعتقاد دارد اینکه از خدا چه می دانید و چه تصویری از او دارید به برنامه های تربیت دینی انسان باز می گردد که برحسب اعتقادات، محیط خانوادگی، والدین و ارتباطات آنها متفاوت است. گانو و مور^۵ (۲۰۰۲) معتقد هستند که میزان مذهبی بودن افراد ناشی از آموزشهای دوران کودکی، مدارس مذهبی، تحول شناختی، نیازهای روان شناختی، نوع فرزند پروری، چرخه زندگی خانواده و زمینه دموگرافیکی آنها می باشد. موران^۶ (۲۰۰۳) نیز معتقد است که در دوره نوجوانی و جوانی و بعد از آن که تفکر مذهبی حالتی انتزاعی به خود می گیرد، افراد به طرح پرسشهایی درباره عاداتها، رفتارها و وظایفی می پردازند که قبلا آنها را به عنوان راه روشن زندگی یافته اند. در این دوره فرد برحسب طبیعت و تربیت پیشین خود به قسمت خاصی از ارزشها روی می آورد و مسلم است که وضعیت وی در این ارزشها مبتنی بر تربیت قبلی اوست. البته نهادهای مختلفی در تربیت دینی افراد مؤثرند که از آن جمله می توان از خانواده به عنوان اساسی ترین نهاد و به دنبال آن مدرسه و اماکن مذهبی و... نام برد.

از آنجایی که تصور از خدا از اساسی ترین اعتقادات ما در مورد خداست و کیفیت و نوع این تصور می تواند تمام جنبه ها و زوایای زندگی فرد را تحت تأثیر قرار دهد و حتی در شخصیت و

¹ - Sawicki, M

² - Rizzuto, A-M

³ - Gollnick, J

⁴ - Jeck, A

⁵ - Gunnoe, M. L., & Moore, K. A

⁶ - Moran, G

رفتار و گرایشهای افراد تأثیرگذار باشد، و با توجه به اینکه تحقیقات متعددی (گورساج^۱، ۱۹۶۸؛ پاتوین^۲، ۱۹۷۷؛ هافمن^۳، ۲۰۰۴ و هافمن و همکاران، ۲۰۰۵) نشان دهنده آن است که تصور از خدا در فرهنگهای مختلف می تواند متفاوت باشد، لذا پژوهش حاضر در پی دستیابی به این نکته است که آیا روش تربیت دینی و میزان مذهبی بودن والدین هم می تواند به عنوان عواملی در شکل گیری تصور از خدا نقش داشته باشد؟ و این عوامل به چه صورت در شکل گیری تصور از خدا دخیل هستند؟

۱-۲- ضرورت‌های پژوهش:

دین در تمام زندگی افراد، نظام ارزشی آنها، روش و اهداف تربیتی و رفتارهای آنان مؤثر است. به همین دلیل، یکی از نیازهای انسان، نیاز به دین است. در همین راستا حوزه تعلیم و تربیت نیز در سالهای اخیر به شدت از دین متأثر شده است و روند پژوهشهای تربیتی در جهان به سوی توجه بیشتر بر تربیت دینی است. البته اولین مرتبه دینداری نیز شناخت خدا و ایمان به اوست و یکی از روشهای کارآمد در رشد و ارتقای این شناخت شناسایی صفات خداوند توسط افراد می باشد (داوودی، ۱۳۸۳).

اشتون^۴ (۲۰۰۰) معتقد است که تربیت دینی افراد می تواند در درک و تصور آنان از خدا تأثیرگذار باشد. وی بر این نکته تأکید می کند که کودکان نیاز دارند که از طریق برنامه های تربیت دینی به تفسیر، تصور و درک درستی از خدا دست یابند و این برنامه های تربیتی باید در چارچوب تفکر کودکان، تجربه های کلامی و زبان نوشتاری تحقق یابند. او معتقد است که بسیاری از بزرگسالان قادر نیستند که مطالب مفیدی به فرزندانشان بیاموزند زیرا تربیت خودشان در افکار

¹ - Goursuch, R

² - Patvin, R. H

³ - Hoffman, L. et al

⁴ - Ashton, E